

مطالعه تطبیقی شگردهای روایت در دو مجموعه کودکانه «روستای من، نعیریه» سلیمان عیسی و «ساعت بدون تیک‌تاک» مهدی مرادی بر اساس الگوی پراپ

۱. رسول بلاوی*، ۲. ناصر جابری اردکانی**، ۳. مهتاب دهقان***

۱. دانشیار زبان و ادبیات عربی، دانشگاه خلیج فارس، بوشهر، ایران
۲. استادیار زبان و ادبیات فارسی، دانشگاه خلیج فارس، بوشهر، ایران
۳. کارشناسی ارشد زبان و ادبیات عربی، دانشگاه خلیج فارس، بوشهر، ایران

(تاریخ دریافت: ۱۳۹۷/۱۰/۲۵؛ تاریخ پذیرش: ۱۳۹۸/۰۱/۲۷)

چکیده

روایت و روایت‌شناسی از علوم نوپایی به شمار می‌آید که در چند دهه اخیر مورد توجه محققان و ناقدان حوزه ادبیات قرار گرفته‌است. یکی از مهم‌ترین نظریه‌پردازان این علم، محقق روسی، ولادیمیر پراپ است که الگوی روایت‌شناسی خود را در سال ۱۹۲۸ میلادی با انتشار مجموعه ریخت‌شناسی قصه‌های پریان مطرح ساخت. الگویی که برای مطالعه شعر روایی نیز به کار گرفته می‌شود. سلیمان عیسی (شاعر معاصر سوری) و مهدی مرادی (شاعر معاصر ایرانی)، در اشعار کودکانه خود که ساختار روایی ساده و ملموس دارند، به‌خوبی از شگردهای روایت بهره گرفته‌اند. دو مجموعه «روستای من، نعیریه» و «ساعت بدون تیک‌تاک» از جمله آثار این دو شاعر است که کاربرد شگردهای روایت به صورت تطبیقی در آن‌ها بررسی شده‌است. در این پژوهش، با هدف بررسی و کشف اشتراک‌ها و تفاوت‌های شیوه روایتگری دو شاعر و با تکیه بر الگوی روایت‌شناسی پراپ، پس از ارائه مطالبی در زمینه روایت و الگوی روایت‌شناسی پراپ و گریزی کوتاه به زندگی دو شاعر، به روش توصیفی-تحلیلی، به بررسی شگردهای روایت در دو مجموعه مذکور پرداخته‌ایم. یافته‌ها نشان می‌دهد که دو شاعر به‌خوبی با میزان درک و دریافت مخاطب آشنایی دارند و با مهارتی که در سرودن شعر روایی کودک دارند، بیش از آنکه شعر را در اختیار روایت قرار دهند، روایت را در اختیار شعر قرار داده‌اند.

کلیدواژه‌ها: روایت‌شناسی، پراپ، سلیمان عیسی، مهدی مرادی، شعر روایی.

* E-mail: r.ballawy@pgu.ac.ir (نویسنده مسئول)

** E-mail: jaberi.naser@gmail.com

*** E-mail: m_dehqan1993@yahoo.com

۱. مقدمه

یکی از مهم‌ترین توانایی‌های ذهن بشر از دیرباز تاکنون داستان‌پردازی، قصه‌پردازی و به گونه‌ای روایت رویدادهای روزمره بوده‌است، تا جایی که حتی می‌توان برخورد لحظه‌ای سنگریزه‌ای به یک پنجره را نیز روایت کرد و آن را یک روایت دانست. روایت‌ها بیش از آنچه به ذهن می‌رسد، در زندگی ما جریان دارند و حامل وقایعی هستند که غالباً بر زبان شخصی که راوی خوانده می‌شود، جاری است. در واقع، «روایت در ساده‌ترین بیان، فرایندی است که طی آن نویسنده و یا یکی از شخصیت‌ها، داستان را از راوی به خواننده منتقل می‌کند» (عبدی، ۱۳۹۳: ۹۱). این شاخه از نقد ادبی تا جایی پیش رفته‌است که به صورت یک علم درآمده و ادیبان و ناقدان بسیاری به بررسی و پژوهش درباره آن پرداخته‌اند. نخستین بار محقق فرمالیست روسی، ولادیمیر پراپ نظریه روایت را در اثر ارزشمندش، ریخت‌شناسی قصه‌های پریان به کار گرفت. او که پیشگام نظریه روایت به شمار می‌آید، هرچند نظریه‌اش با اندکی تأخیر به دست پژوهشگران این عرصه رسید، اما به سرعت مورد استقبال آنان قرار گرفت. پراپ روایت را در کتاب خود چنین تعریف می‌کند: «متنی که تغییر وضعیت را از حالت پایدار به حالت ناپایدار و دوباره بازگشت آن را به حالت اولیه نشان می‌دهد» (پراپ، ۱۳۶۸: ۴۳). وی در الگوی روایت‌شناسی خود با در نظر گرفتن سی‌ویک کارکرد یا خویشکاری برای هفت نوع شخصیت مختلف، شناخت ساختار قصه‌های فولکلوریک را موضوع اصلی کار خود قرار می‌دهد (ر.ک؛ احمدی، ۱۳۷۰: ۱۴۴)؛ کارکردهایی که علاوه بر داستان، می‌توان آن‌ها را در قالب شعر نیز بررسی کرد.

در ادبیات ملل مختلف، آثار روایی فراوانی در قالب شعر و داستان به چشم می‌خورد که بیانگر میل همیشگی طبع‌آزمایان عرصه ادبیات به این نوع شیوه نگارش است. در ادبیات معاصر عربی و فارسی نیز بسیاری از شاعران و نویسندگان از شیوه روایتگری در آثار خود بهره برده‌اند.

در میان شاعران جهان عرب، سلیمان عیسی، شاعر معاصر سوری از جمله شاعرانی است که به شعر روایی، به‌ویژه شعر روایی کودکانه، توجه ویژه‌ای نشان داده‌است. وی در

مجموعه‌های شعری خود بیش از هر موضوع دیگری به شعر کودک و نوجوان پرداخته‌است و به نوعی به اهمیت آن در رشد و تعالی نسل جدید به عنوان قهرمانان آینده جهان عرب پی برده‌است. وی برای رسیدن به اهداف متعالی خود که می‌تواند نمایانندن چهره نیکوی انسانیت و حذف و طرد ظلم و ستم و نیز جنگ از سراسر جهان باشد، از شیوه روایتگری استفاده نموده که یکی از بهترین شیوه‌های انتقال مفاهیم به ذهن کودک است. در ادبیات فارسی نیز چهره‌های فراوانی در زمینه شعر کودک و نوجوان طبع آزمایی کرده‌اند که شاعر جوان خطه خوزستان، مهدی مرادی، یکی از آنهاست. وی در آثارش همچون سلیمان عیسی، به خوبی از تکنیک‌های روایت بهره برده‌است و تکنیک‌هایی را که غالباً در نثر و داستان می‌توان مشاهده کرد، در شعر گنجانده‌است.

در پژوهش پیش رو، ابتدا با ارائه تعریف‌های گوناگون روایت و نظریه‌های آن، گریزی کوتاه نیز به زندگینامه دو شاعر خواهیم داشت. سپس به تحلیل روایت‌شناختی دو مجموعه روستای من نعیریه و ساعت بدون تیک‌تاک خواهیم پرداخت و با تکیه بر الگوی روایت‌شناسی پراپ تلاش خواهیم کرد مقایسه‌ای تطبیقی از شیوه روایت‌گری دو شاعر در دو مجموعه مورد نظر ارائه دهیم. موضوعی که می‌تواند مورد پسند و استفاده علاقه‌مندان حوزه ادبیات تطبیقی و نقد روایی، به‌ویژه نقد روایی ادبیات کودک و نوجوان قرار گیرد. با توجه به اینکه هر شاعر و نویسنده‌ای شیوه خاص خود را در نگارش آثارش اتخاذ می‌کند، عیسی و مرادی نیز از شیوه روایتگری استفاده کرده‌اند که ما در این نوشتار در پی بررسی چگونگی آن هستیم. هدف ما در این نوشتار، علاوه بر مقایسه تطبیقی شگردهای روایت در این دو مجموعه، بررسی و کشف اشتراکات و تفاوت‌های شیوه روایتگری دو شاعر خواهد بود.

۲. پرسش‌های پژوهش

بر اساس آنچه گفته شد، در این پژوهش درصدد هستیم که به پرسش‌های زیر پاسخ دهیم:

الف) گذشته از ویژگی‌های محتوایی، این دو اثر از نظر ویژگی‌های روایی چه اهمیتی دارند؟

ب) درون‌مایه‌های مورد نظر شاعران دو اثر کدام است؟ و این درون‌مایه‌ها چه تأثیری بر ساختار روایی اشعار داشته‌است؟

ج) دو شاعر تا چه حد در گنجاندن تکنیک‌های روایت در شعر موفق بوده‌اند؟

۳. پیشینه پژوهش

در ادبیات فارسی و عربی و در دایره نقد ادبی، روایت‌شناسی و نقد روایی از علوم نوپای این حوزه به شمار می‌آیند. با این حال، در سال‌های اخیر، پژوهش‌های متعددی در این زمینه صورت گرفته‌است و نویسندگان بسیاری به ترجمه و تألیف مقالات و کتب متعدد پرداخته‌اند که از میان آن‌ها می‌توان به کتاب *درآمدی بر داستان‌نویسی و روایت‌شناسی* نوشته فتح‌الله بی‌نیاز (۱۳۸۷) اشاره کرد که در بخش نخست کتاب خود به مباحث مربوط به داستان‌نویسی پرداخته‌است و در بخش دوم، درباره روایت‌شناسی بحث و آن را تحلیل کرده‌است. در فصل‌های پس از آن نیز به بررسی روایت‌های مدرن و پست‌مدرن پرداخته‌است. علیرضا ترکان (۱۳۹۴) در کتابی با عنوان *روش‌شناسی تحلیل روایت با ارائه تعریف‌های متعدد روایت از منظر روایت‌شناسان*، روایت را در ارتباط با موضوعات مختلفی چون پزشکی، جامعه‌شناسی، فلسفه، تصویر و... بررسی کرده‌است و پس از آن به روش‌شناسی انجام پژوهش تحلیل روایت پرداخته‌است. در ادبیات عربی نیز تألیف‌های گوناگونی در این زمینه صورت گرفته‌است که از آن میان می‌توان به *نظریه رمان (پژوهشی در تکنیک‌های روایت)* نوشته عبدالملک مرتاض (۱۹۹۸ م.) اشاره کرد که در آن رمان و ساختار روایت را در رمان معاصر عربی بررسی کرده‌است و آنگاه به بررسی انواع و اشکال روایت و مسائلی از این قبیل پرداخته‌است. عبدالناصر هلال (۲۰۰۶ م.) نیز در کتابی با عنوان *ابزارهای روایت در شعر عربی معاصر* راوی و انواع آن، روایت و گونه‌های مختلف روایت و مهم‌ترین عناصر آن را بررسی نموده‌است.

در میان پژوهش‌های صورت‌گرفته در زمینه شعر روایی و روایت‌شناسی بر اساس الگوی پراپ، می‌توان به *شگردهای روایت در شعرهای روایی مهدی اخوان ثالث* نوشته

شادروی‌منش و راوکی (۱۳۹۱) اشاره کرد که در آن با بررسی اشعار روایی اخوان و تحلیل عناصر روایت در اشعار وی به این نتیجه رسیده‌اند که کاربست شیوه روایتگری هرگز به جوهر شعر او لطمه نزده‌است و بیش از آنکه شعر در خدمت عناصر داستان باشد، عناصر داستانی و روایی به خدمت شعر درآمده‌اند. رحیمی (۱۳۹۳) در پژوهشی با عنوان *ریخت‌شناسی داستان لیلی و مجنون جامی بر اساس نظریه پراپ* با استفاده از الگوی ریخت‌شناسی پراپ، به شناسایی نقش‌ها و نقش‌ویژه‌های داستان لیلی و مجنون جامی پرداخته‌است. سپس با بررسی توالی کارکردها در این مجموعه به این نتیجه رسیده که توالی کارکردها محدود بوده‌است و این داستان شامل یازده نقش و هفت نقش‌ویژه است. اما درباره شعر سلیمان عیسی و مهدی مرادی تاکنون پژوهش درخور توجهی صورت نگرفته‌است. «ترکیب موسیقایی در شعر سلیمان عیسی (دیوان *الجزایر* به عنوان نمونه)» عنوان رساله‌ای است که در دانشگاه *الحاج لخضر* در الجزایر به قلم بوعلی‌مسعود (۲۰۱۲ م.) چاپ شده‌است. وی در این رساله به بررسی ساختار موسیقایی شعر عیسی در آثار غیر کودکان وی پرداخته‌است. محمدی و اسمعیلی‌پور (۱۳۹۳) نیز در مقاله‌ای با عنوان «بررسی روایت و عناصر داستانی در مجموعه کلاغ سه‌شنبه اثر مهدی مرادی» با برشمردن ویژگی‌های روایی اشعار مرادی و تحلیل آن‌ها به این نتیجه رسیده‌اند که وی توانسته‌است با توجه به ویژگی‌های روانی نوجوان در انتخاب موضوع و درون‌مایه، و با استفاده از فنون رایج روایت، نوع ادبی شعر را به داستان نزدیک کند. اما آنچه ما در این مقاله بدان خواهیم پرداخت، بررسی تطبیقی اشعار دو شاعر از منظر نقد روایی و بر اساس الگوی روایت‌شناسی ولادیمیر پراپ است؛ موضوعی که تاکنون نویسندگان و پژوهشگران به طور ویژه و مستقل بدان پرداخته‌اند.

۴. روایت و الگوی روایت‌شناسی پراپ

چنان که گفته شد، در دایره نقد ادبی، روایت‌شناسی از علوم نوظهور به شمار می‌آید و الهام گرفته از نظریات ساختارگرایان روس است. اصطلاح روایت‌شناسی، نخستین بار به وسیله تزوتان تودوروف در سال ۱۹۶۹ میلادی در کتاب *دستور زبان دکامرون* مطرح

گردید و بعدها علاوه بر حوزه ادبیات، در زمینه‌های تاریخی، مذهبی، روزنامه‌نگاری، سیاسی و... نیز به کار گرفته شد (ر.ک؛ مانفرد، ۲۰۱۱م: ۵۱). برای روایت و روایت‌شناسی تعاریف متعددی ذکر شده است. در فرهنگ اصطلاحات ادبی آمده است:

«روایت، اصطلاحی عام است که برای هر آنچه قصه، داستان یا حکایتی را نقل می‌کند، به کار می‌رود. در زبان انگلیسی نیز اصطلاح Narrative به هر قسم روایتی که دارای حادثه، شخصیت و نقل‌گفتار و اعمال شخصیت‌ها باشد، خواه نظم یا نثر، اطلاق می‌شود. بنا بر این تعریف، روایت، طیف گسترده‌ای است که از یک سو، انواع داستان‌ها و قصه‌های قدیمی را مثل حماسه و عشق‌نامه در بر می‌گیرد و از سوی دیگر، انواع جدید ادبیات داستانی نظیر رمان را» (داد، ۱۳۹۲: ۲۵۳).

در تعریف روایت‌شناسی نیز آمده است: «شعبه‌ای از رویکرد علمی نسبتاً نوینی که دغدغه اصلی آن، شناسایی عناصر ساختاری و حالت‌های مختلف ترکیب این عناصر در روایت، شگردهای متکرر روایت و تحلیل انواع گفتمان در روایت می‌باشد» (همان، ۲۵۴). روایت در ساده‌ترین تعریف، داستان و ماجرای است که در زمان و مکان مشخصی اتفاق می‌افتد و شخصی به عنوان راوی آن را به خواننده یا شنونده منتقل می‌کند.

اما اصلی‌ترین و مهم‌ترین پیشینه روایت‌شناسی ساختارگرا، ریخت‌شناسی قصه پریان، اثر ارزشمند ولادیمیر پراپ (۱۸۹۵-۱۹۷۰م.) است؛ کسی که «نخستین پژوهش نظام‌مند در بررسی روایت، با مطالعه صد روایت روسی از قصه‌های پریانیه وسیله او انجام شده است» (بهمنی، ۱۳۹۰: ۵۶). در این کتاب، وی با معرفی الگوی روایت‌شناسی خود و ارائه طرحی فراگیر، سی‌ویک کارکرد، نقش‌ویژه یا خویشکاری عنوان می‌کند؛ نقش‌ویژه‌هایی که با بررسی قصه‌های فولکلوریک روسی بدان پی برده است. خویشکاری، نقش‌ویژه، عملکرد یا کارکرد در الگوی روایت‌شناسی پراپ، عمل شخصیتی از اشخاص قصه است که از نظر اهمیتی که در جریان قصه دارد، تعریف می‌شود. عملکردها در الگوی پراپ به دو دسته اصلی و فرعی تقسیم می‌شوند که شمار عملکردهای اصلی ۳۱ می‌باشد و عملکردهای فرعی از آن‌ها منشعب می‌شوند. او معتقد است با اینکه کنش و حرفه شخصیت‌ها در قصه‌ها تغییر می‌کند، اما کارکرد آن‌ها همواره در میان همان

سی‌ویک مورد باقی می‌ماند و فراتر نمی‌رود. سپس با بررسی این کارکردها، شخصیت‌های قصه‌ها را به هفت دسته تقسیم می‌کند: ۱- شخص خبیث (شورور). ۲- بخشنده (عطاکننده). ۳- یاریگر یا مدد رسان (دوستان و یاران قهرمان). ۴- شاهدخت و پدرش (شخص مورد جستجو). ۵- پیام‌رسان (فرستنده که قهرمان را به مأموریتی می‌فرستد). ۶- قهرمان (جوینده یا قربانی). ۷- قهرمان دروغین (ر.ک؛ پراپ، ۱۹۹۶م: ۹۷-۹۸). او با بررسی قصه‌ها بر اساس ویژگی‌های ساختاری، و نه بر اساس موضوع، عناصر ثابت و متغیری برای آن‌ها در نظر می‌گیرد و به بررسی عناصری نظیر قهرمان، اعمال قهرمان، زمان، مکان و... می‌پردازد.

پس از پراپ، بسیاری از نظریه‌پردازان روایت و ساختارگرایان از الگوی روایت‌شناسی وی برای پیشبرد نظریات خود سود جستند. نظریه‌پردازانی نظیر کلود برمون، رولان بارت، گریماس و ژرار ژنت از جمله افرادی هستند که پژوهش‌های آنان در زمینه روایت‌شناسی و تحلیل ساختاری، بیانگر تأثیرپذیری ایشان از الگوی پراپ است. رومن یاکوبسن، زبان‌شناس و نظریه‌پرداز روسی، با تأکید بر اهمیت کار پراپ، معتقد است که «روایت‌شناسی به معنای دقیق واژه، با کتاب پراپ آغاز شده‌است» (احمدی، ۱۳۷۰: ۱۴۷). بنابراین، نگاهی گذرا به آثار این افراد که البته در اینجا فرصت بررسی آن فراهم نیست، نه تنها اهمیت و اعتبار کار پراپ در پیشبرد نظریه‌های تحلیل ساختار را آشکار خواهد ساخت، بلکه کمک خواهد کرد تا بتوانیم تحلیل دقیق‌تری از به‌کارگیری تکنیک‌های روایت در شعر عیسی و مرادی به دست دهیم.

۵. سلیمان عیسی

سلیمان عیسی، شاعر معاصر سوری، سال ۱۹۲۱ میلادی در روستای نعیریه از توابع *انطاکیه* به دنیا آمد. تحصیلات ابتدایی را در انطاکیه و تحصیلات متوسطه را در حما، لاذقیه و دمشق گذراند. حدوداً ده‌ساله بود که سرودن شعر را آغاز کرد و در اولین مجموعه شعری خود که آن را در روستایش (نعیریه) سروده بود، از مشکلات کشاورزان و نگرانی‌های آنان سخن گفت (ر.ک؛ العیسی، ۲۰۱۳م: ۱۷۹). از همان ابتدا با سرودن

اشعار ملی‌گرایانه و استقلال‌طلبانه‌اش به مبارزه با استعمار فرانسه پرداخت. به دانشکده تربیت معلم بغداد رفت و پس از فارغ‌التحصیلی به عنوان معلم در مدارس حلب مشغول به کار شد. پس از شکست ژوئن ۱۹۶۷ میلادی (نکسه حزیران)^۱ به نوشتن شعر کودک روی آورد. سرانجام، شاعر کودکان سوریه در سال ۲۰۱۳ میلادی پس از تحمل یک دوره بیماری، در سن نود و دو سالگی در دمشق سوریه درگذشت. وی در یکی از مصاحبه‌هایش درباره ورود خود به جهان ذهنی کودکان می‌گوید: بعد از آن روز (شکست اعراب از اسرائیل)، عرب از کابوس خود بیدار شد و از آن بلای نفس‌گیر رهایی یافت. من به کودکان عرب نگریستم. در چشمان آن‌ها فردا و آینده امت عربی را دیدم و از خود پرسیدم آیا شایسته نیست که به سوی آنان بروم و از آنان بنویسم؟ (ر.ک؛ خبرگزاری مهر، ۱۳۹۲: خبر ۲۱۱۳۲۹۶).

چنان که ملکه/ابيض، همسر سلیمان عیسی، درباره او می‌نویسد، شعر وی پس از شکست ژوئن ۱۹۶۷ میلادی به طور چشمگیری تغییر یافت. از جمله اولین سروده‌های وی پس از این دوره، قصیده «کودکی‌ام را برایتان تعریف می‌کنم بچه‌ها (أحکی لکم طفولتی یا صغار)» و داستان «وائل در جستجوی وطن بزرگش (وائل یبحث عن وطنه الکبیر)» بود. این دو اثر که در مجموعه شعر و نثر روستای من نعیریه آمده‌است، حاوی اتفاقات و ماجراهایی است که خود شاعر در دوران کودکی‌اش از سر گذرانده‌است. به طور کلی، مجموعه مذکور بازتاب زندگی شخصی شاعر است. این مجموعه شامل ۱۵ قصیده و ۱۴ داستان کوتاه است که در ادامه این پژوهش به بررسی اشعار آن از منظر نقد روایی خواهیم پرداخت.

۶. مهدی مرادی

مهدی مرادی، شاعر معاصر ایرانی است که اسفندماه سال ۱۳۵۶ هجری خورشیدی در اهواز به دنیا آمد. از وی تاکنون مجموعه‌های «بعضی از ما»، «رستن با ریشه‌های قالی»، «پوست دیگر نمی‌تواند مخفی‌ام کند» برای بزرگسالان، و مجموعه‌های «کلاغ سه‌شنبه»، «آوازهای سیب‌زمینی» و «ساعت بدون تیک‌تاک» برای گروه‌های سنی کودک و نوجوان منتشر شده‌است. مجموعه کلاغ سه‌شنبه وی در سال ۱۳۸۷ توانست برگزیده

بیست‌وپنجمین دوره کتاب سال شود و نیز جایزه نخستین دوره گام اول و جایزه کتاب سال مجله‌های سلام بچه‌ها و پوپک را به دست بیاورد. از میان این آثار، مجموعه ساعت بدون تیک‌تاک از منظر نقد روایی در این مقاله تحلیل و بررسی خواهد شد. این اثر که برای گروه سنی «ج» (پایان دوران کودکی و ورود به دوره نوجوانی) نوشته شده، شامل ۱۶ شعر در قالب‌های مثنوی، چهارپاره، نیمایی و... است و عنوان دومین مجموعه شعری مهدی مرادی در شاخه ادبیات کودک و نوجوان است. ساعت بدون تیک‌تاک در سال ۱۳۹۰ به چاپ رسید و به عنوان اثر شایسته تقدیر هفدهمین دوره جشنواره کتاب فصل معرفی شد.

آنچه در ادامه، درباره دو دفتر شعری ساعت بدون تیک‌تاک و روستای من نعیریه بحث و بررسی خواهد شد، مجموعه‌ای از مهم‌ترین تکنیک‌های روایت، نظیر درون‌مایه، شخصیت‌پردازی، صحنه‌پردازی، گفتگو و سایر تکنیک‌ها با تکیه بر الگوی روایت‌شناسی پراپ و دسته‌بندی شخصیت‌ها و خویشکاری‌های مورد نظر اوست که بررسی و مقایسه آن‌ها با هم، با ارائه شاهد مثال‌های مناسب، می‌تواند تصویر روشن‌تری از آثار این دو شاعر و گرایش‌های آن‌ها در اختیار خواننده قرار دهد.

۷. مهم‌ترین تکنیک‌های روایت

۷-۱. درون‌مایه (Theme) و مضمون

یکی از مهم‌ترین و اساسی‌ترین ارکان شعر و داستان، درون‌مایه آن است که در میان عناصر داستان اهمیت بسزایی دارد و به طور کلی، «درون‌مایه را به عنوان فکر و اندیشه حاکمی تعریف کرده‌اند که نویسنده در داستان اعمال می‌کند. به همین دلیل، درون‌مایه اثر، جهت فکری و ادراکی نویسنده‌اش را نشان می‌دهد» (طاهری، ۱۳۹۴: ۱۲۸؛ به نقل از منفلوطی، ۱۹۹۱ م.: ۱۷۴).

اشعار کودکان معمولاً درون‌مایه‌های علمی، آموزشی، اخلاقی، تربیتی و تخیلات کودکان دارند. درون‌مایه اشعار و داستان‌ها از جامعه‌ای به جامعه دیگر و با توجه به شرایط آن جامعه و فکر غالب نویسندگان و شاعران آن جامعه می‌تواند متفاوت باشد.

سلیمان عیسی غالباً درون‌مایهٔ اشعار کودکانه‌اش را از روزگار کودکی خویش وام می‌گیرد؛ موضوعی که با نگاهی به عناوین قصاید وی در دفتر شعری‌اش *روستای من* نعیریه به‌روشنی دیده می‌شود. «کودکی‌ام را برایتان تعریف می‌کنم بچه‌ها»، «کودکی من»، «خطاطی و خاطرات کودکی»، «کودکی‌ام بر کرانهٔ رودخانه» و «مرگ دوست دوران کودکی» از جملهٔ این عناوین هستند. اما اصلی‌ترین موضوعی که سلیمان عیسی در شعر کودکانه‌اش بدان می‌پردازد، حماسه و مقاومت است. وی با توجه به وضعیت پیش آمده در سرزمین‌های عربی، در تلاش است با اشعاری حماسی، روحیهٔ مقاومت را در میان کودکان سرزمینش ایجاد کند. او در آغاز سرود «کودکی‌ام را برایتان تعریف می‌کنم بچه‌ها»، پس از آنکه با دوستان کوچکش، «یاد و فراس» گفتگو می‌کند، رودخانهٔ عاصی را یادآور می‌شود و سرزمینش (سوریه) را سرزمین وحدت و آزادی معرفی می‌کند:

«رودخانهٔ عاصی

این کودک زیبای رهرو

در سوریه

سرزمین وحدت و آزادی

آبیاری می‌کند و روان به سوی شمال است

در راه، کودکان را می‌شناسد» (عیسی، ۲۰۱۲: ۳۴).

رود، نماد جنبش و حرکت است. از آنجا که مخاطبان شعر عیسی، کودکان هستند، «رود عاصی» را «کودک» معرفی می‌کند تا مخاطب راحت‌تر با آن ارتباط برقرار کند؛ کودکی زیبا که همواره در تلاش و تکاپوست. منزلگاه این کودک سرزمینی آزاد است و واحد که در آن به حرکت درآمده و با بقیهٔ کودکان آشنا می‌شود. آزادی و آزادی که یکی از مهم‌ترین درون‌مایه‌های مورد نظر عیسی است، در این شعر، به سرزمین نسبت داده شده، در نگاه دقیق‌تر مسئله‌ای که به یک سرزمین نسبت داده می‌شود، اغلب از ویژگی‌های مردمان آن سرزمین است، یا برای رسیدن به آن تلاش می‌شود. وی پس از مقدماتی که با توصیف صحنه و فضا سازی‌های لازم همراه است و در بخش‌های آتی از آن سخن خواهیم راند، به معرفی کودک قصه (قهرمان) می‌پردازد و از آرزوها و رؤیاهایی که برای جهان عرب در سر دارد، سخن می‌گوید:

«کوچک بود

کوچک بود

به سرعت با رؤیایها به پرواز درمی‌آمد

از این کودک عرب

که با انقلاب و افتخارات

رؤیای جهان عرب را در سر داشت

و از این کودک نشسته

در سایهٔ سقف آجری

و از زمان کودکی تاکنون سرود می‌خواند

در شعرم با شما سخن خواهم گفت» (همان: ۳۸).

عیسی، قهرمان قصه را برای دوستان کوچکش، کودکی معرفی می‌کند که به دنبال کسب افتخار و بزرگی برای سرزمینش و البته جهان عرب است و رؤیای انقلاب جهان عرب علیه ظلم و ستم را در سر می‌پروراند. با این حال، او کودکی است با احساسات کودکانه و همواره احساسات شاعرانه‌اش را به همراه دارد و در سایهٔ خانهٔ آجری‌شان سرود می‌خواند.

سروده‌های عیسی در این مجموعه، از سویی با درون‌مایه‌های حماسی و مقاومتی نیاز کودکان عرب را به محرکی برای حرکت رو به جلو در عصر حاضر برطرف کرده‌است و از سوی دیگر، در لابه‌لای این مضامین حماسی، موضوعات آموزشی، اخلاقی و تربیتی را گنجانده‌است.

اما درون‌مایهٔ سروده‌های مهدی مرادی در مجموعهٔ *ساعت بدون تیک‌تاک*، با درون‌مایهٔ مورد نظر سلیمان عیسی قدری متفاوت است؛ زیرا هدفی که وی در پی آن مجموعه‌اش را به رشتهٔ تحریر درآورده، چیزی متفاوت از هدف عیسی است. مرادی در مجموعه‌اش، بیش از هر چیز در پی درس‌های اخلاقی و گوشزد کردن نکات تربیتی است. او همواره در تلاش است تا سؤالی در ذهن کودک و نوجوان مخاطب شعر خود ایجاد کند. وی در شعر «انار و لبخند» می‌نویسد:

«ساعت، بدون تیک تاک

یک لحظه از کار ایستاد
چاقو انار بسته را
با مهربانی چاک داد
مانند آتش سرخ بود
مانند آتش بی‌قرار
در قاب سرد لحظه‌ها

لبخند خونین انار» (مرادی، ۱۳۹۰: ۶).

مرادی مخاطبش را که در حال گذر از کودکی و آشنایی با مفاهیم جدید در دنیای نوجوانی است، با نمادهای گوناگون آشنا می‌کند. او را به فکر وامی‌دارد تا با خود بیندیشد چه رابطه‌ای می‌تواند میان چاقو، انار و مهربانی وجود داشته باشد؟! لبخند خونین، نماد چیست؟ بسیاری از این دست مفاهیم که در مجموعه مورد بررسی ساخته و پرداخته شده‌است، چنان که در جایی دیگر می‌سراید:

«یک قطره آب کافی است

تا در دلش بینم

دریای بیکران را

در قطره می‌توان دید

با چشم باز گاهی

پهنای آسمان را» (همان: ۹).

همان گونه که می‌بینیم، شاعر تنها قطره‌ای آب را برای مشاهده پهنای آسمان و بیکران دریاها کافی می‌داند، به این شرط که با چشمان باز و با آگاهی بدان نگریسته شود. مرادی تلاش می‌کند مخاطب را با واقعیات موجود روبه‌رو کرده، افق دید گسترده‌تری به او بدهد. موضوعی که اغلب در اشعار سلیمان عیسی نیز قابل مشاهده است.

۲-۷. شخصیت (Character) و شخصیت‌پردازی

شخصیت، یکی از مهم‌ترین عناصر روایت به شمار می‌آید. اساساً شخصیت‌ها در روند داستان، بخش جدانشدنی و همیشگی آن هستند که گاه از سوی راوی معرفی می‌شوند و

گاه در جریان داستان به نوبت شناخته می‌شوند و مخاطب بسته به نوع شخصیت‌ها و برداشت شخصی خود، با آن‌ها ارتباط برقرار می‌کند. گوستاو فلوربر، رمان‌نویس قرن نوزدهم فرانسه، با نادیده انگاشتن راوی، معتقد است اصل بر وجود شخصیت‌هاست و این شخصیت‌ها هستند که منظرهای متفاوتی از رخدادها به دست می‌دهند (ر.ک؛ ایرانی و دیگران، ۱۳۹۲: ۲؛ به نقل از: مکاریک، ۱۳۸۵: ۱۵۰). به طور کلی، شخصیت‌ها افراد و اشخاص موجود در داستان هستند که با اعمال و رفتارهایشان، در کنار سایر عناصر، داستان را به جریان می‌اندازند.

چنان‌که گفته شد، پراپ در بررسی قصه‌های پریان، هفت شخصیت و ۳۱ کارکرد یا خویشکاری را متذکر می‌شود که البته همه آن‌ها را در هر داستانی مشاهده نمی‌کنیم، بلکه در برخی داستان‌ها ممکن است با دایره محدودتری از شخصیت‌ها و خویشکاری‌ها مواجه باشیم.

در اشعار سلیمان عیسی، با توجه به مخاطب وی که گروه کودک را در بر می‌گیرد، شخصیت‌ها اغلب به گونه‌ای ساخته و پرداخته شده‌اند که برای مخاطب زودیاب باشد؛ به عبارتی، عیسی خلق شخصیت‌های جدیدی که کودک آن‌ها را تاکنون در اطراف خود ندیده‌است، فدای هدف اصلی نمی‌کند. او همواره در تلاش است شخصیت‌هایی را معرفی کند که با الگو گرفتن از آن‌ها، کودک بتواند آینده خود و میهنش را بسازد. به همین دلیل، شخصیت‌های منفی را که پراپ در روایت‌شناسی خود به بررسی آن‌ها می‌پردازد، در شعر او به‌ندرت مشاهده می‌کنیم. در جدول زیر، بر اساس الگوی مورد نظر پراپ، شخصیت‌ها و خویشکاری‌های موجود در یکی از مهم‌ترین قصاید سلیمان عیسی، در مجموعه مورد بررسی، دسته‌بندی شده‌اند:

جدول ۱

نام شعر ^۲	شخصیت‌ها	خویشکاری‌ها	نوع شخصیت
أحکی لکم طفولتی یا صغار	کودک (کودکی شاعر)	درخواست (تلاش برای یادگیری علوم گوناگون و حفظ اشعار)	قهرمان
(کودکی‌ام)	رودخانه عاصی	حرکت (انتقال از سرزمینی به سرزمین دیگر)	یاریگر
	پدر (شیخ احمد)	کار دشوار (آموختن علوم گوناگون به)	قهرمان

	روستاییان/ انجام کار دشوار		را برایتان
قهرمان	مشوق (تشویق فرزندان به کار و یادگیری و در نهایت، پیروزی)	مادر	تعریف میکنم (بچه‌ها)
یارینگر	هم‌بازی شدن با قهرمان (کودک) و تلاش برای یادگیری	کودکان روستا	
شروور	دشمنی با نور و روشنی	تاریکی	
یارینگر	همکاری با قهرمان (کودک) در ساخت چادر تابستانی بر درخت توت	برادر	
یارینگر	همکاری و هم‌نشینی با قهرمان در شنیدن قصه‌های شبانه (سمار)	دوستان شب‌بیدار	
شروور	به وجود آورندهٔ آندوه در دل قهرمان	غربت	
یارینگر	شخصیت اثرگذار در شادی قهرمان (کودک) و روی آوردن وی به شعر	سلمی	
قهرمان	حرکت قهرمان قصه، سپس غیبت و دور شدن	شکاری کوچک	
شخص مورد جستجو	نشستن بر درخت و شکار شدن	گنجشک	
یارینگر	شرکت در امر شکار گنجشک	پسرعمو و پسرذایی	
شروور	استعمار و دزدیدن آسمان و زمین ملتها	دزد و دشمن	
یارینگر	با همراهی قهرمان (کودک) به چرا رفتن	گاو قهوه‌ای	
قهرمان	ساختن و آباد کردن همه چیز	فقرا	

همان گونه که مشاهده می‌شود، در قصیدهٔ مورد بررسی، تعداد شخصیت‌ها ۱۷ مورد است که از هفت نوع شخصیت مورد نظر پراپ، بر چهار نوع آن منطبق است و این شخصیت‌ها جمعاً بیش از ۲۰ کارکرد دارند.

اما مهدی مرادی در اشعارش، از آنچه عیسی بدان می‌پردازد، فراتر رفته، شخصیت‌های پیشرفته‌تر و به عبارتی جدیدتر، خلق کرده‌است. البته یادآوری می‌شود که مخاطب شعر وی، تنها کودکان نیستند، بلکه چنان که پیش از این اشاره شد، مخاطب او، طبق طبقه‌بندی‌هایی که در سال‌های اخیر صورت گرفته، گروه سنی «ج» می‌باشد که به

طور دقیق، کودکی است که در انتهای دوران کودکی قرار گرفته، در آستانه ورود به دوران نوجوانی است. به همین دلیل، نیازمند یادگیری مفاهیمی تازه و فراتر از مفاهیم دوران کودکی و آمادگی برای درک مفاهیم انتزاعی است. از همین رو، مرادی در شعرش به خلق شخصیت‌هایی می‌پردازد که علاوه بر اینکه حامل پیامی خاص است، جذاب و تازه نیز باشد، تا مخاطب به بهترین نحو با آن ارتباط برقرار کند. در جدول زیر، تعدادی از این شخصیت‌ها دسته‌بندی شده‌اند:

جدول ۲

نام شعر	شخصیت‌ها	خویشکاری‌ها	نوع شخصیت
انار و لبخند	انار	کشته شدن به وسیله چاقو	قربانی
	چاقو	تلاش برای از بین بردن انار (درگیری) و سپس موفقیت	شرور
خدای باران‌ها	خداوند	فرستادن باران برای مخلوقات	یاربگر
	زمین	خشک و بی‌ثمر بودن و آنگاه سرسبز شدن به وسیله باران	نیازمند
خوش به حال آسمان	آسمان	ندادن اجازه به خانه‌های پایتخت (آزادگی)	شخص مورد جستجو
	ستاره و پرنده	نیامدن به تراس خانه‌های پایتخت به دلیل وجود دود و غبار	اشخاص مورد جستجو
تند نرو ای شهاب	شهاب	آمدن از دوردست و آوردن شادی	قهرمان
قله خوشبخت	قله	یاری گرفتن از سایر موجودات و اشیاء برای خروج از تنهایی	یاری‌گیرنده
	قله دیگر	زدودن غم تنهایی از قله (اول)	شخص مورد جستجو
	آسمان و خورشید و شهاب و ابرها و...	یاری دادن به قله برای شاد کردن او و خروجش از غم تنهایی	یاربگر

قهرمان	آشتی دادن بچه‌ها	خانم یگانه	جشن آشتی
یاریگر	کف زدن و همراهی با جشن آشتی کنان	بچه‌های سوم الف	
درمانده	خسته شدن از تنهایی و گشتن به دنبال همراه و همسفر	جاده	جاده
شخص مورد جستجو	به تنهایی سفر کردن	رهگذر	

در مجموعه مرادی نیز ۱۵ شخصیت وجود دارد که بر پنج نوع از شخصیت‌های مورد نظر پراپ منطبق هستند. این شخصیت‌ها قریب ۲۰ خویشکاری دارند که در جدول بالا، در جملاتی کوتاه به آن‌ها اشاره شده‌است.

دسته‌بندی شخصیت‌ها و خویشکاری‌ها در جدول‌های ۱ و ۲ نشان می‌دهد که نوع خویشکاری‌های موجود در اشعار دو شاعر، از محدوده ۳۱ کارکرد مورد نظر پراپ فراتر رفته‌است و دو شاعر با توجه به موضوع و درون‌مایه مورد نظر خود، کارکردهای متفاوتی برای شخصیت‌های آثارشان در نظر گرفته‌اند. با وجود اینکه تعدادی از این شخصیت‌ها با شخصیت‌های مورد نظر پراپ منطبق هستند، اما اساساً داستان‌های شعری عیسی و مرادی با آن نوع قهرمان‌محوری که پراپ در قصه‌های پریان روسی بررسی می‌کند، متفاوت است. شعر عیسی با اینکه تا حدودی جنبه مبارزه و نجات‌دهی دارد، اما غالباً قهرمان در حوزه عملیاتی محدودی قرار می‌گیرد و گاه داستان بدون حضور او پیش می‌رود. چنان‌که در شعر مرادی نیز حضور قهرمان به‌ندرت مشاهده می‌شود و شخصیت‌ها حامل پیامی اخلاقی هستند و تلاش می‌کنند کودک را به شناخت بهتری از جهان پیرامونش برسانند.

۳-۷. راوی (Narrator) و زاویه دید (Point of View)

در انواع روایت‌های موجود در ادبیات، راوی از عناصر جدانشدنی به شمار می‌آید. در اصطلاح ادبیات، «به کسی (و گاه چیزی) که داستان را روایت می‌کند، راوی می‌گویند؛ به سخن دیگر، راوی، شخصیتی است که نویسنده حوادث داستان را از زبان او نقل می‌کند» (داد، ۱۳۹۲: ۲۲۹). هرگاه پس از خواندن یک داستان از خود پرسیم «راوی این

داستان چه کسی است؟»، با پاسخ به این سوال، زاویه دید را مشخص کرده‌ایم؛ چراکه زاویه دید با راوی رابطه مستقیم دارد. زاویه دید در حقیقت، در حکم دریچه‌ای است که نویسنده به روی مخاطب می‌گشاید تا از طریق آن، حوادث موجود در داستان را نظاره‌گر باشد (ر.ک؛ همان، ۱۳۹۲: ۲۵۹). راوی اغلب بر دو گونه است: راوی اول شخص (راوی درون داستانی) که در حقیقت، روایت‌گری است که خود در جریان داستان قرار دارد و یکی از شخصیت‌های آن است. ۲- راوی سوم شخص (راوی برون داستانی) یا دانای کُل که از بیرون به داستان می‌نگرد و نسبت به وقایع داستان آگاهی کامل دارد. سلیمان عیسی در مجموعه روستای من نعیریه، از راوی اول شخص استفاده می‌کند و غالباً داستان از زبان خود او حکایت می‌شود. تنها در یکی از اشعار این مجموعه، رگه‌هایی از وجود دانای کُل به چشم می‌خورد که در حقیقت، به کمک راوی اول شخص آمده‌است:

«شاعر با صدایی آرام و دلپذیر می‌خواند... کودکان برخی قسمت‌ها را با او تکرار می‌کنند... (سوم شخص) / در محله کوچک / در خانه آجری ما / پدرم زندگی می‌کرد و با روزگار می‌جنگید. با بچه‌ها / مهربان و ملایم بود، / چون نسیم تابستان، / چون شعر... (اول شخص)» (عیسی، ۲۰۱۲: ۴۰).

در این بخش، شاعر ابتدا با راوی سوم شخص آغاز می‌کند. سپس در ادامه، راوی اول شخص به میدان می‌آید و ادامه ماجرا از زبان او نقل می‌شود که در واقع، قهرمان داستان است و به توصیف مکان و ویژگی‌های شخصیت مورد نظر می‌پردازد. بدین ترتیب، زاویه دید راوی، عینی و جسمانی است. از این رو، آنچه از ظاهر شخصیت‌ها در ارتباط با زمان و مکان قصه می‌بیند، روایت می‌کند.

هر نویسنده با توجه به هدفی که در اثر خود دنبال می‌کند، راوی مورد نظرش را برمی‌گزیند. علاوه بر راوی اول و سوم شخص که در اغلب آثار به کار گرفته می‌شوند، راوی دوم شخص نیز تا حدودی کاربرد دارد و «راوی گاه می‌تواند صدایی از درون قهرمان داستان باشد که با او حرف می‌زند و داستان را روایت می‌کند» (رضایی، ۱۳۹۱:

۷۲). مرادی در سرودن اشعارش، ۱۱ بار از راوی اول شخص، ۲ بار دوم شخص و ۳ بار از راوی سوم شخص استفاده کرده است:

«برگ و بار می گیرم

از سخاوتش حالا

من زمین سرسبزم،

او خدای باران‌ها (اول شخص)» (مرادی، ۱۳۹۱: ۱۱).

در جای دیگر می‌سراید:

«برو تا تماشای صبح و اینجا نمان گوشه‌گیر

از احوال باران بپرس سراغ افق را بگیر»

(دوم شخص) (همان: ۲۱).

وی در سرود «انار و لبخند» این گونه می‌نویسد:

«چرخید در چشم انار تصویر از چاقوی تیز

در انتظاری سرخ بود بشقاب خالی روی میز»

(سوم شخص) (همان: ۶).

مرادی دو زاویه دید عینی و ذهنی را به هم آمیخته است. وی علاوه بر تصویر فضای ظاهری قصه، به آنچه در ذهن شخصیت‌ها، نظیر انتظاری که بشقاب خالی روی میز می‌کشد، نیز می‌پردازد.

چنان‌که مشاهده شد، دو شاعر راوی اول شخص را بیش از دو گونه دیگر به کار گرفته‌اند؛ زیرا این نوع راوی، صرف‌نظر از محدودیت‌هایی که دارد، نظیر عدم اطلاع از تمام وقایع و افکار شخصیت‌های موجود در روایت، برای همراه کردن کودک با جریان داستان مناسب‌تر به نظر می‌رسد و باعث می‌شود پذیرش حوادث موجود در داستان برای وی ساده‌تر باشد.

۷-۴. صحنه‌پردازی

یکی دیگر از عناصر مهم روایت، صحنه است. اینکه روایت در چه موقعیت مکانی یا زمانی در حال رخ دادن است، اهمیت فراوانی دارد. صحنه در هر روایت، نسبت به روایت

دیگر متفاوت است و نویسنده با توجه به فضایی که موضوع روایت مورد نظرش می‌طلبد، آن را انتخاب می‌کند. در روایت‌شناسی پراپ، صحنه آغازین به عنوان اولین کارکرد یا خویشکاری مطرح می‌شود. با این حال، خود پراپ معتقد است صحنه آغازین جزء خویشکاری‌های اصلی نیست، اما از عناصر مهم در ریخت‌شناسی به شمار می‌آید. روایت‌های شعری سلیمان عیسی در سوریه، در روستایش نعیریه و در دوران کودکی شاعر اتفاق می‌افتد. وی در اشعارش غالباً پیش از آغاز کلام، مکان وقوع ماجراها را مشخص می‌کند. «خانه ما کنار رود عاصی»، «چادر تابستانه‌ام در دل درخت توت»، «جولانگاه کودکی‌مان در روستا» و «کودکی‌ام بر کرانه رودخانه» از جمله عنوان‌هایی هستند که شاعر با استفاده از آن‌ها مکان وقوع رویدادهایی را مشخص می‌کند که از آن‌ها سخن خواهد گفت. وی در قصیده «کودکی‌ام را برایتان تعریف می‌کنم بچه‌ها» علاوه بر سخن گفتن از شخصیت‌ها و اعمال آن‌ها، به صحنه‌پردازی پرداخته و صحنه وقوع حوادث را برای مخاطب توصیف می‌کند:

«خانه‌ام نزدیک سرچشمه رود عاصی است. / همسایه‌اش گام‌های عاصی
است / صبح و عصر صدای گام‌های عاصی را می‌شنود / و بدون زحمت
می‌شناسدشان / (عاصی) بهترین‌ها را به من یاد داده... / خانه‌ام سقفی از آجر
است / سرخ‌رنگ همچون بال عید / خانه‌ای از جنس سنگ‌های گلی / که آن را
پس از سختی بسیار ساختیم... / میان خانه و عاصی / کودکی بود بچه‌ها»
(العیسی، ۲۰۱۲م: ۳۵-۳۶).

صحنه‌ای که عیسی به تصویر می‌کشد، خانه‌ای است با آجرهای گلی قرمز، رودخانه‌ای خروشان و کودکی که در آن حوالی مشغول بازی است. صحنه‌ای که هرچند شاعر آن را با کلمات و جملات ساده و کوتاه توصیف کرده‌است، اما توانسته مصالح مورد نیاز برای درک صحنه مورد نظر در اختیار مخاطب کوچکش قرار دهد.

اما روایت‌های شعری مرادی برخلاف عیسی، در زمان حال اتفاق می‌افتد و مکان‌های متفاوتی را در بر می‌گیرد. «تراس آپارتمان»، «آسمان»، «قله کوه»، «جایی روی یک میز» و... همگی مکان‌هایی هستند که مرادی به کمک آن‌ها به ساختن و پرداختن

روایت‌های شعری‌اش می‌پردازد. هرچند برخی از صحنه‌هایی که مرادی در اشعارش به وجود آورده‌است، برای مخاطبی که در دوران شادی و نشاط قرار دارد، قدری غمناک به نظر می‌رسد، اما توانسته‌است با استفاده از تکنیک‌های داستان‌نویسی، در مدت زمان کوتاهی، صحنه‌هایی بیافریند که در عین غمگین بودن، برای مخاطب، جذاب و در دسترس باشد و در نتیجه، بتواند با آن ارتباط برقرار کند. چنان‌که در شعر «انار و لبخند»، صحنه جدال «چاقو» و «اناری» تصویر می‌شود که بر میزى اتفاق می‌افتد و بشقابی خالی انتظار ریخته شدن خون انار را می‌کشد، در حالی که از شدت اندوه، زمان ایستاده‌است! یا در شعر «خوش به حال آسمان»، صحنه تراس تنگ و کوچک آپارتمانی در پایتخت تصویر می‌شود که غبار بر آن نشسته‌است و بدون باغچه و درخت، تنها یک بند رخت در آن به چشم می‌خورد:

«نه توی این تراس زشت	غبارهای پایتخت	از این طرف به آن طرف
ستاره دیده می‌شود	نشسته روی خانه‌ها	کشیده‌اند بند رخت
نه چه‌چه پرنده‌ای	نمی‌شود نگاه کرد	نه سیزه‌ای نه سنبلی
در آن شنیده می‌شود.	به دوردست‌ها، چرا؟	نه باغچه نه یک درخت»

(مرادی، ۱۳۹۱: ۱۴).

چنان‌که مشاهده می‌شود، صحنه وقوع روایت، تراس یک آپارتمان است که راوی از آنجا نظاره‌گر آسمان و بقیه نقاط پایتخت می‌شود و از همان جا به توصیف محیط اطراف خود می‌پردازد. بر این اساس، صحنه و صحنه‌پردازی در شعر دو شاعر اهمیت فراوانی دارد و هر یک با توجه به هدفی که در پی آن هستند، صحنه را برای روایت مورد نظر خود آماده می‌کنند. موضوعی که از مؤثرترین عوامل در پذیرش روایت از سوی مخاطب و همراهی با آن به شمار می‌آید.

۵-۷. گفتگو (Dialogue)

گفتگو به معنای صحبت کردن و رد و بدل کردن افکار، همواره در آثار منظوم و منثور وجود داشته‌است. گفتگو گاه میان شخصیت‌های اثر و گاه در ذهن یک شخصیت اتفاق می‌افتد. در واقع، «گفتگو در داستان، یکی از عناصر مهم و یا به عبارتی، همسنگ ارزش

توصیف است؛ زیرا سبب می‌شود پیرنگ گسترش یابد، درون‌مایه ظاهر شود، شخصیت‌ها معرفی شوند و عمل داستان پیش برود» (داد، ۱۳۹۲: ۲۰۶). این عنصر نیرومند و بنیادین ادبیات داستانی که همسو و هم‌جهت با ساختار روایی داستان عمل می‌کند، ویژگی‌هایی دارد که از میان آن‌ها می‌توان به طبیعی بودن یا به عبارتی، عدم پیچیدگی و محسوس و عینی بودن اشاره کرد. گفتگو انواع و اقسامی دارد که عبارتند از: ۱- دیالوگ یا گفتگوی دو یا چندنفره. ۲- مونولوگ یا خودگویی و تک‌گویی درونی. ۳- گفتگو در گفتگو (ر.ک؛ دودانگه و گرجی، ۱۳۹۰: ۲۴).

عیسی در مجموعه شعری خود، گاه با اشخاص داستان و گاه با خودش به گفتگو می‌پردازد. گفتگوهای موجود در اشعار وی، اغلب رنگ و بوی نمایشنامه‌ای دارند. در قصیده «کودکی‌ام را برایتان تعریف می‌کنم بچه‌ها»، پیش از آغاز سرود، با دوستانش، «ایاد»، «فراس»، «دیمه» و بقیه کودکان به گفتگو می‌نشیند:

«ایاد کوچولو: قول دادی برایمان آواز بخوانی، کودکی‌ات را با سرود برایمان تعریف کنی.

– شاعر: من سر قولم هستم ایاد که با هم آواز بخوانیم... من و تو دیمه و صفوان... و دوستانت که دوست دارند با ما آواز بخوانند.

– فراس: چرا اسم مرا فراموش کردی؟ من هم شعر دوست دارم و دلم می‌خواهد با شما آواز بخوانم!

– شاعر: اسم تو را فراموش نکردم فراس...» (العیسی، ۲۰۱۲: ۳۳).

گفتگوی بالا از نوع دیالوگ یا گفتگوی چندنفره است که مخاطب با خواندن آن، در جریان آنچه در داستان روی خواهد داد، قرار می‌گیرد. این نوع گفتگو که معمولاً پیش از شروع داستان و میان راوی اول شخص و سایر شخصیت‌ها صورت می‌گیرد، در بیشتر اشعار عیسی دیده می‌شود.

گاه شاعر برای لحظاتی در اعماق خاطرات کودکی‌اش غرق می‌شود و از درون با خود به گفتگو می‌نشیند:

«عشقی زودهنگام / سخنم درباره آن به درازا می‌انجامد / تاب هنوز آرام نگرفته‌است / ای نغمه‌های من... شما چرا آرام بگیرید؟ / دهانم آکنده از ترانه»

سلمی است/ و دستانش دو گل نرگس‌آند/ آویخته به دستان من/ ای آرزوی
گلگون کودکی/ دنیا را در چشمانم بریز/ شعر را و ترانه را/ تا سلمی راضی شود
و افتخار کنم/ که من چیزی به او ارزانی داشته‌ام» (همان: ۶۶).

این گفتگو هرچند رنگ و بوی دیالوگ نیز دارد، اما از نوع مونولوگ یا تک‌گویی به
شمار می‌آید و به‌ندرت در شعر عیسی به چشم می‌خورد. چنان‌که پیش از این نیز بر آن
تأکید شد، مخاطبان عیسی در این مجموعه، کودکان هستند. او برای بیان مقصود و
هدفش نیازمند گفتگوی مستقیم با شخصیت‌هایی است که یا از جنس کودکان، و یا
برای آن‌ها قابل لمس باشد. به همین سبب، بیشتر گفتگوها به صورت دیالوگ آمده‌اند.
مرادی نیز همچون عیسی از گفتگو در جریان حکایت‌های شعری خود بهره می‌گیرد.
در شعر او نیز گفتگو گاه میان شخصیت‌ها و گاه در درون شخصیت اصلی اتفاق می‌افتد:
- دیالوگ: «می‌رسی از دوردست/ می‌گذری پرشتاب/ می‌شنوی؟ صبر کن/ تند نرو ای
شهاب» (مرادی، ۱۳۹۱: ۱۶).

- مونولوگ: «دل‌م گرفته است، سخت/ چرا/ به گوش هیچ کس نمی‌رسد/ صدای
فکرهای یک درخت» (همان: ۲۷).

گفتگوهای موجود در اشعار عیسی اغلب میان راوی (که همان قهرمان داستان است)
و سایر شخصیت‌ها اتفاق می‌افتد، در حالی که گفتگوهای اشعار مرادی هم به صورت
دیالوگ و هم به صورت مونولوگ دیده می‌شود. گاه در درون شخصیت اصلی و گاه این
ارتباط کلامی میان بقیه شخصیت‌ها برقرار می‌شود. بدین ترتیب، عنصر گفتگو در شعر
عیسی دایره محدودتری نسبت به گفتگوهای شعر مرادی دارد.

۸. نتیجه‌گیری

بر اساس آنچه در این مقاله گفته شد، می‌توان نتیجه گرفت که دو اثر *روستای من*
نعیریه و *ساعت بدون تیک‌تاک* از جمله آثار مهم در زمینه ادبیات کودک و نوجوان به
شمار می‌آیند که از لحاظ ویژگی‌های روایی، بیانگر مهارت نویسندگان این دو اثر در
سرودن شعر روایی کودک هستند. دو شاعر به‌خوبی با میزان درک و دریافت مخاطب
آشنایی دارند و تفاوت‌های روایت بزرگسال با روایت کودکانه را به‌خوبی تشخیص داده‌اند.

درون‌مایه‌های مورد نظر نویسندگان، مفاهیمی نظیر آزادی و آزادگی، مقاومت، پایداری و موضوعات آموزشی، اخلاقی و تربیتی است که در شعر هر کدام با دیدی متفاوت، بسته به نیاز کودک در جامعه مورد نظر و با ساختار روایی کودکانه، ساده و ملموس به‌کار رفته‌است.

اما از لحاظ به‌کارگیری شگردهای روایت، با توجه به الگوی ریخت‌شناسی پراپ، در این دو اثر، می‌توان گفت عملکرد نویسندگان، اگرچه با کیفیتی متفاوت، اما تا حد وسیعی موفقیت‌آمیز بوده‌است. آن‌ها با انتخاب درون‌مایه مناسب، پردازش شخصیت‌های مناسب و تأثیرگذار بر ذهن کودک، طرح خویشکاری‌های مناسب برای هر کدام از شخصیت‌ها، پردازش صحنه‌های زیبا و جذاب برای کودک و به‌طور کلی، ایجاد ساختاری ساده و نظام‌مند با استفاده از مجموعه تکنیک‌های روایت توانسته‌اند این تکنیک‌ها را به خدمت شعر درآورند و از فرو رفتن در پیچیدگی‌های معمول در امان بمانند و به عبارتی، بیش از آنکه شعر را در اختیار روایت قرار دهند، روایت را در اختیار شعر قرار داده‌اند.

۹. پی‌نوشت‌ها

۱- شکست ۱۹۶۷ میلادی (نکسه حزیران): جنگ شش‌روزه ۱۹۶۷ میلادی، نبردی بود که از ۵ تا ۱۰ ژوئن این سال میان اسرائیل و کشورهای مصر، سوریه و اردن رخ داد و با پیروزی اسرائیل به پایان رسید. این نبرد نقطه اوج بحرانی بود که از تاریخ ۱۵ مه تا ۱۲ ژوئن ۱۹۶۷ میلادی به درازا انجامید و در آن، اسرائیل با شکست ارتش چند کشور عربی، قسمتی از خاک آن‌ها را تصرف کرد.

۲- جدول شماره ۱: انواع شخصیت‌های موجود در این قصیده، به تفکیک و بر اساس ده قسمت جداگانه آن نوشته شده‌اند.

۱۰. منابع

- احمدی، بابک. (۱۳۷۰). *ساختار و تأویل متن*. ج ۱. چ ۱. کرج: مرکز ایرانی، محمد و دیگران. (۱۳۹۲). «شیوه شخصیت‌پردازی دوجهی در بیکر فرهاد عباس معروفی». *ادبیات پارسی معاصر*. س ۳. ش ۴. صص ۱۸۱-۱۸۰.
- بهمنی، مهرزاد. (۱۳۹۰). *تحلیل روایت و کاربرد آن در رسانه*. چ ۱. تهران: مرکز تحقیقات.

- پراپ، ولادیمیر. (۱۳۶۸). *ریخت‌شناسی قصه‌های پریان*. ترجمه فریدون بدره‌ای. چ ۱. تهران: توس.
- _____ . (۱۹۹۶ م.). *مورفولوجیا القصه*. ترجمه عبدالکریم حسن و سمیره بن عمّو. چ ۱. دمشق: دار شراع.
- خبرگزاری مهر. (۱۳۹۲). *بخش فرهنگی*. تاریخ بازنگری: ۱۳۹۵/۰۵/۲۰. کد خبر ۲۱۱۳۲۹۶: <http://www.mehrnews.com/news/2113296/>
- داد، سیما. (۱۳۹۲). *فرهنگ اصطلاحات ادبی*. چ ۶. تهران: مروارید.
- دودانگه، محرم‌علی و مصطفی گرجی. (۱۳۹۰). «گفتگو در خمسه نظامی با تأکید بر مثنوی‌های خسرو و شیرین و لیلی و مجنون». *کتاب ماه ادبیات*. س ۵. ش ۵۳. صص ۳۵-۲۱.
- رضایی، لیلا. (۱۳۹۱). «بررسی نقش و کارکرد راوی اول شخص در شعر روایی کودک (گروه سنی «الف»». *مطالعات ادبیات کودک*. س ۳. ش ۱ (پیاپی ۵). صص ۸۶-۷۱.
- طاهری، حمید و مریم غفوریان. (۱۳۹۴). «بررسی تطبیقی عناصر داستان حجاب منفلوطی و رجل سیاسی جمال‌زاده». *لسان مبین*. س ۶. ش ۲۰. صص ۱۱۶-۱۳۷.
- عبدی، صلاح‌الدین و دیگران. (۱۳۹۳). «روایت‌شناسی رمان عمارت یعقوبیان اثر علاء الأسوانی بر اساس نظریه روایتی ژرار ژنت». *لسان مبین*. س ۶. ش ۱۷. صص ۱۰۸-۹۱.
- العیسی، سلیمان. (۲۰۱۲ م.). *النعیریه قریتی*. چ ۱. دمشق: اتحاد الکتاب العرب.
- العیسی، سلیمان و ملکه أبيض. (۲۰۱۳ م.). *رحلة كفاح*. چ ۱. دمشق: دار الحافظ.
- مرادی، مهدی. (۱۳۹۱). *ساعت بدون تیک‌تاک*. چ ۲. تهران: کتاب‌های شکوفه، وابسته به نشر امیرکبیر.
- مانفرد، یان. (۲۰۱۱ م.). *علم السرد (مدخل إلى نظرية السرد)*. ترجمه امانی أبورحمة. چ ۱. سوریه: نینوی.